

بوستان سعد

www.abolmowajj.com

بوستان سعد

نقاشی: استاد محمود فرشچیان

مقدمه: محمد علی فروغی

خوشنویسی: غلامعلی قزوینی : کاوه اخوین

مدیر هنری و طراحی: محمد زمانیان

لیتوگرافی: مرآیند گویا

چاپخانه: خانه فرهنگ و هنر

صحافی: گوهر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۴-۰۲-۲

مدیر تولید: ناصر میرباقری - احسان میرباقری

ناشر: انتشارات گویا

تهران - خیابان کریمخان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۹۱

تلفن: ۸۸۸۲۸۸۸۴ - ۸۸۸۳۸۴۵۳ - ۸۸۸۲۳۱۲۰

فاکس: ۸۸۸۴۲۹۸۷

www.gooyabooks.com

Email: info@gooyabooks.com

د احوال شیخ سعدی و چگونگی سخن او

شیخ سعدی نه تنها یکی از ارجح‌ترین ایرانیان است بلکه یکی از بزرگ‌ترین سخن‌سرایان جهان است. در میان پارسی‌نویسان، هیچ‌کس در وزن و مثنوی نیستند که بتوان با او برابر گردان سخن گویان ملل دیگر هم از قدیم و جدید کسانی که با سر به که مندر بسیار معذودند. در ایران از جهت شهرت کم نظیر است و خاص عام او را می‌شناسند و در میان این همه عالم اگر ندانند خواص البته به بزرگی قدر او پی برده‌اند. باین همه از احوال شیخ زندگانی، پندار معلوماتی در دست نیست. آنچه می‌توان از روی تحقیق گفت این است که شیخ سعدی ۱۰۱۰ هـ. ق. در عالمان دین بوده‌اند و سالهای اول سده هفتم هجری در شیراز متولد شده در جوانی به بغداد و از آنجا به مدرسه نظامیه و حوزه های دیگر در درس و بحث تکمیل علوم دینی و ادبی پرداخته و در عراق شام و حلب و غیره گرد و گج گزارد و در اواسط سده هفتم هجری که ابو بکر بن محمد بن زکی از اتابکان سلجوقی در فارس فرمانروایی داشت به شیراز بازآمده در سال ۶۵۵ هجری کتاب معروف به بوستان را بنظم

آورده در سال بعد گستان تصنیف فرموده در ذرات آن بابک ابو بکر و بزرگان دیگر مخصوصاً پسر ابو بکر
 که بعد نام اشتیه و شیخ انتساب او را برای خود تخلص و در داده قدر و منزلت یافته و همواره
 به بنان بیان مستعدان را ستیفیض و ایل ذوق را مخلوط و متمتع می ساخت و کاهی در ضمن قصیده
 غزل به بزرگان امرای فارس و سلاطین مغول معاصر و زرای ایشان پسند و اندر زمی داد
 و به زبان که شایسته است که فرشته و ملک این سخن گویند به عنوان من زله و مناقشات
 و قایق عرفانی می آورد و تا اوایل هجدهم رازنده بنهم در شیراز به عزت و حرمت زیسته
 و در یکی از سال های بین ۹۱۰ تا ۹۱۲ م در بیرون شهر شیراز در محلی که بقعه اوزیار تگاه
 صاحب دلال است به دنیا آمده شده است

اما در بیان چگونگی سخن شیخ سعدی حق این است که در وصف آریه از شیخ بزرگوار پرسی کرده بگویم
 من در همه قول نهضم
 در وصف سیال آریه
 اگر خوش را به شیرین یا نمکین بودن بستمیم برای او مدحی میکنی است و اگر او عاقل و بیخ
 گویندگان مبلغ ترین نویسندگان است قوی است که جنگی برآند اگر بگویم کلامش از رودنی
 درونی سهل و مستقیم است از قدیم گفته اند و همه کس می دانند
 سخن شیخ خاصه در شعره تنبایش دشوار است و دانش هم آسان نیست همچون آب زلالی

که در آئینه شفاف است اما از غایت پاک و جودش چشم در آگ نمی کند. ملائمتش با خاطر
 مانند ملائمت هوا با نفس است که در حالت عادی هیچ کس متوجه روح افزا بودنش نیست و اگر کسی
 بخوابد لطف آن او صف کند جز این که بگوید جان بخش است عبارتی ندارد. از این و هر چند
 اکثر مردم شعر سعدی را شنیده بلکه از بردارند و می خوانند کمتر کسی است که بدانی خوبی آن را
 بر کرده باشد و غالباً تائیدی که از سعدی می کنند تقلیدی است و بنابراین است که
 از دانشمندان با ذوق نسبت به او دیده شده است

سعدی سلطان مسلم آن خردمند و در بیان از همه کس بیشتر است کلام در دست او مانند موم
 است هر معنایی را به عبارتی آهسته که در آن هر سه تر و زیبا تر و موجز تر مکن نیست بخش خوش
 زواید ندارد و سر مشق سخن گویند است ایری آن چون فتیله شعرشان سرشار بوده شیوه سخن را
 در شعر به نهایت زیبایی رسانیده بودند. شیخ سعدی به این زبان و اندیشه و نظم بلکه در شعر به کار
 برده است چنان که نثرش مزه شعر و شعرش روانی نثر را در پیافه است و پند و اندرز را در گلستان
 نثر فارسی در قالب شایسته حقیقی ریخته شده بعد از هر شعری هم که مانند شعر است به نهایت
 سلامت روانی باشد در ترکیب شبیه به نثر خواهد بود یعنی از برکت وجود سعدی زبان شعر و زبان
 نثر فارسی از دو گانه گنی بیرون آمده و یک زبان شده است

با این همه عجب که در حسن عبارت سعدی می‌کنیم لطف معانی که از آن بیش نباشد کم نیست
و دربارهٔ او از روی اطمینان می‌توان گفت از معدودی از سخن‌سرایانی است که بی‌سج و جلفاغلی
و فضل فروشی در لفظ نگرفته و سخن گفته است مگر برای اظهار افکار و معانی که در دل داشته است
گفتار بستان سعدی یک دوره کامل از حکمت علی است علم سیاست و اخلاق و تدبیر منزل را
جوهرشیده در این کتاب بکوشش‌ترین عبارات درآورده است درین این که در نهایت
سکینی و متانت است مزاج و طبیعت هم خالی نیست چنان که خود می‌فرماید:

«در وی تلخ نصیحت بر زبان است به منتهی تا طبع ملول از دولت قبول محروم نماند.»

و انصاف این است که گمان نبویستان امر که راجع به اندک اندکی ذوق باشد ملائت و
نمی‌دهد. هیچ کس اندازده سعدی پادشاهان و صاحبان اقتدار را چون سیاست و دلاوری
رعیت پروری و دعوت نموده و ضرورت این امر را مانند روشن و شب روز از اخته است از
سایر نکات کشورداری نیز غفلت نورزیده مردم دیگر را هم از هر صنف طبقه را می‌رساند و می‌گوید
و کوشی و زبردست و زیر دست توانا و ناتوان درویش و توانمند و زاهد و دین پرور و عارف
کاسب و تاجر و عاشق و زنده و مست و آخرت و دست دنیا پرست همه را به وظایف و فرائض و
آگاه نموده و هیچ دقیقه‌ای از مصالح و مفاسد را فرو نگذاشته است

از خصایص شگفت آئین زهدی و شهادتی است که در حقیقت گویی به کار برده است و در وقت
 ترک تازی مغول جباران است نمانده ایشان که از امارت ریاست خبر کام بهوسرانی تصویری
 نداشتند و هیچ چیز مانع و رادع اجرای هوای نفس نمی انگاشتند. با آن خشم آوران آتش
 باغ که با ایشان بقول مولانا جلال الدین بلخی حق نشاید گفت جز زیر بحاف شیخ سعدی
 نیز نوشته شده. چنانچه را به نظم و نثر بی پرده و آشکار چنان فریاد کرده که در هیچ عصر و زمان کسی
 باین صراحت و عجز تر این که در جهان به کام تنها به صاحبان اقتدار دنیا
 نپرداخته بلکه از شریع و قوانین و قاضی فاسد و صوفی دنیا دار و پوچ بودن
 عبادت و ریاضتی که از روی صحت و اعتدال بود. تخریب خیر خلق نداشته باشد خود داری
 نخورده است و عجب بصیرتی به احوال مردم و طبایع و افکار ایشان اوضاع جهان و جریان کار
 روزگار دارد و با چه زبردستی در این امور نکته بینی و دست یابی از و چگونه در هر باب آری
 صواب امی یابد. گویی شخص او مصداق همان بهر مندر خرد پیشه است که به قول خدا و او در این
 روزگار دوبار عمر کرده و تجربه آموخته و اینک تجربه به کار می برد.

به همین مزایا که برای سعدی بر شمریم اگر در یک کفه ترازو بگذاریم و در یک کفه دیگر که با او برابری می کنند
 جنبه عاشقی او است و وجود سعدی را از عشق و محبت سرشته اند. همه مطالب را به بهترین جاداد

می‌کند اما چون به عشق می‌رسد شور دیگر در می‌یابد. هیچ کس عالم عشق را نه مانند سعدی درک کرده و نه به بیان آورده است. عشق سعدی باز هیچ به او هوس نیست، امری بسیار جدی است. عشق پاک و عشق تمامی است که برای مطلوب از وجود خود می‌گذرد و خود را برای اوستی خواهد نه از ران خود، عشق او از مخلوق آغاز می‌کند اما سرانجام به خالق می‌گردد و از این دست کمی فریاد عشق را آغاز هست انجام نیست».

از آنجا که وجود سعدی و عشق سرشته شده احساسات در نهایت لطافت است بهر قلم زیبایی خواهد صورتی خواهد معنوی به شدت سزگند و سست دارد بهر رقت قلب و مهربانی او نیز همین است و از این است که هر کس با سعدی آشنا شود ناچار به محبت او می‌گراید.

در اثبات دعاوی که کردیم حق این بود که از سخن شیخ برر لوارش بسیار یاد کنیم اما چون این مقاله را مقدمه نگذاشتیم بوستان قرار می‌دهیم سراسر این دو کتاب به مدحای خود می‌آوریم و خوانندگان ادعوت می‌کنیم به این که با توجه به نکاتی که یاد کرده شد آثار شیخ را بخوانند و به خاطر سپارند که از عمر برخوردار می‌تمام خواهند یافت.

محمد علی منصفی